

هدایت نوجوانان به سوی نماز

دکتر علی قائمی

شناسنامه

فهرست
عنوان صفحه

مقدمه

از مهمترین فصول مربوط به حیات انسان فصل مربوط به دوران نوجوانی او، شامل مرز سنی 12 - 18 است، مرحله‌ای که آغاز آن، پایان دوران کودکی، و نهایت و خاتمیت آن آغاز جوانی و وصول به مرحله کامل مردی یا کامل زنی است.

این مرحله را از مبهم‌ترین مراحل حیات در جنبه شناخت ابعاد جسمی، روانی و عاطفی و دشوارترین مراحل از نظر سازگاری انسان ذکر کرده‌اند. (1) ضمن اینکه این دوره از رشد و زندگی، متضمن بحرانی هیجانی، تحولی اخلاقی و دگرگونی و تغییری عظیم در شخصیت است.

روانشناسان رشد، حتی آنانکه در زمینه بلوغ و نوجوانی کار کرده‌اند با نقاط مبهم متعددی از شخصیت و روان نوجوان خود را مواجه دیده‌اند و آن را دورانی آشفته و تحمل آن را از دید مربیان مشکل معرفی کرده‌اند. تغییرات جسمی، و به همراه آن دگرگونی‌های روانی در نوجوان سریع و همراه با احساساتی است (2) که اغلب بعد شخصی و سلیقه‌ای دارند، و طبیعی است که مربی را در برابر نوجوانان متعدد، مخصوصاً با فرهنگهای متفاوت به نوعی تردید و ناآگاهی در تصمیم‌گیری بکشاند و او در برخورد با نوجوان خود را با مسائل و مشکلاتی مواجه ببیند که همه گاه قادر به حل و رفع آن نیست.

دامنه آن تحولات وسیع و جنبه‌های قابل مشاهده و دریافت آن عبارتند از: دگرگونی در خلق و خوی، رفتار نامتعادل، گریز از تکالیف رسمی، امتناع از پذیرش مسئولیت، زمانی فرار از مدرسه، سرکشی و عصیان، مخالفت با بزرگان و حتی ترک وظایف تحصیلی، مذهبی، خانوادگی و یا سرعت در تصمیم‌گیری‌ها، یا سرعت در راندن (و...) (3)

دوران بیداری‌ها

دوران نوجوانی مصاف است با بروز بیداری‌های متعدد که هر کدام آنها می‌توانند زمینه و منشائی برای رشد و سعادت، و در صورت عدم هدایت آنها موجد بدبختی‌ها و سقوطهایی باشند. مهمترین آنها عبارتند از

بیداری فطرت - 1

شاید در هیچ مرحله‌ای از عمر (جز سه سال اول زندگی) فطرت به این اندازه بیدار و هشیار نباشد. در سراسر وجود کودک بیدار است که گویی همچون پیامبری معصوم است و با جهان وحی مستقیماً در ارتباط. جز سخن راست از او نخواهی شنید و جز امانت و عدالت از او سر نمی‌زند. فطرت پاک خدائی او را در خود شناور و سیراب می‌سازد.

در مراحل بعد، به علت تربیت غلط، محیط معاشرتی نامناسب، شیوه‌های رفتاری ناصواب مدل‌ها و الگوها، توقعات نامتناسب با ظرفیت روانی طفل و...، فطرت در زیر توده‌هایی از ابرها و غبارهای گوناگون مخفی شده، خورشید آن از پرتوافکنی باز می‌ماند. وضع چنان است که گویی فطرت او به خوابی سنگین فرو رفته است. در دوران نوجوانی، شرایط و امکاناتی پدید می‌آید که گرد و خاک روی فطرت به کناری می‌رود و آن خورشید از نو پرتوافکن می‌شود. نوجوان چنان می‌شود که گویی سطلی آب سرد بر سر و روی فطرت او ریخته و بیدارش ساخته. که باید از این بیداری استفاده کرد.

بیداری مذهب - 2

بر طبق دعاوی صاحب‌نظران و هم بر اساس آزمایش‌های بعمل آمده ایمان به مذهب از 12 سالگی آغاز می‌شود و البته در اشخاص سالم و طبیعی، ایمان به حقایق یعنی احتیاج به پرستش، با سنین عمر شدید می‌شود. (4) دانشمندی چون گزل که متخصص مسائل نوجوانان است اوج و شکوفائی آن را در سنین 14 - 16 می‌داند و عالمی چون موریس دبس، شروع جهش مذهبی (حس مذهبی) را آغاز بلوغ می‌شناسد. (5) دیگران حتی دانشمندان ماتریالیست (همچنین اعتقادی را در مورد نوجوانان دارند و از حس ماوراء طبیعی در آنان حرف می‌زنند. (6)

این بیداری در نوجوان عاملی برای رشد معنوی و اخلاقی و موجبی برای پیشگیری هاست. به گفته عالمی وضع چنان است که گوئی خداوند حکیم بصورت پیشگیری قبل از بروز طوفان و طغیان غرائز، وسیلخ مهار کردن آن (را در انسان آماده کرده است). (7)

بیداری جهان‌بینی - ۳

در این مرحله از عمر دید و بینشی خاص نسبت به جهان در نوجوان پدید می‌آید. ممکن است او به مدرسه نرفته باشد و حتی علم و تجربه‌ای از کتاب بدست نیاورده باشد، ولی وضع او چنان است که گوئی با دیدی دیگر پدیده‌ها را می‌بیند، و یا پدیده‌های دور و بر با او از رمز و راز پیدایش و فرجام خود سخن می‌گویند. جهان‌بینی او عوض می‌شود، زندگی برای او زیبایی و عظمتی مخصوص پیدا می‌کند. دید او به اشیا با آنچه که در دیروز بود کاملاً متفاوت است. این بیداری هم سببی برای جهان‌شناسی عمیق‌تر و روی آوردن به علم و فرهنگ است و هم وسیله‌ای برای سوق دادن او به سوی خالق اشیا و آفریدگار علی‌الاطلاق و در نتیجه احساسا نیاز به پرستش و نیایش او

بیداری وجدان - ۴

وجدان عبارت از نوعی خودآگاهی درونی و یا نیروی درک مهمات رذائی و فضائل است. در برابر اعمال پسندیده آدمی خرسندی و رضا و در برابر اعمال ناروای انسان نوعی خودداری و خود سرزنشی دارد و بدینسان برای آن نقشی چون نقش قاضی محکمه قائلند

در سنین نوجوانی، وجدان بیدار می‌شود و در درونش محکمه‌ای تشکیل می‌گردد. خود برای خویشتن قاضی و داور است. اگر گناه و خطائی مرتکب شود خود را سرزنش می‌کند و حتی ممکن است برای خود کیفری و عقوبتی، مثل ترک لذت، تحمل رنجها و... قائل شود و می‌بینیم که این بیداری خود از عنایات لطیف الهی و عاملی برای خود کنترلی است

بیداری رغبت به تعالی - ۵

شاید در هیچ مرحله‌ای از رشد، آدمی بدین میزان که در دوران نوجوانی است خواستار پیشرفت و تعالی نباشد. او می‌خواهد شرایط و امکاناتی پدید آید، که حتی کار نکرده و زحمت نکشیده به مرحله آفائی رسد و در این راه تا سر حد بی‌نهایت به پیش رود. هیچ عظمت و علوی نیست که او ببیند و خواستار آن نشود

ایده‌آل‌جویی و کمال‌طلبی در او به صورتی است که تدریجاً مطلق‌گرا می‌شود و هر چیز را در حد کمال خود خواستار می‌گردد. یکی از علل عمده مخالفت نوجوانان با والدین و مربیان و تخطئه کردن عمل و رفتار آنها، و یادآوری در مورد آنها که آنان عادل نیستند همین مسئله است. آنها در این سنین رفتار بزرگتران را زیر ذره‌بین قرار می‌دهند و اگر آن را موافق معیارهای خود نیابند از آنان روی بر می‌گردانند

بیداری استدلال - ۶

نوجوانی سن مباحث بی‌پایان فلسفی، دینی، سیاسی و ادبی است. او با الفاظ بازی می‌کند و اغلب استدلال منطقی و (قیاس‌صوری را مورد سوء استفاده قرار می‌دهد و امری را به عنوان حقیقت اثبات می‌کند و نتیجه می‌گیرد). (8) او سعی دارد مسائل خود را از روی دلیل و برهان حل کند و این بر خلاف روش گذشته است که اصرار داشت از راه زور و لجبازی به پیش رود. البته ترقی قدرت استدلال و برهان بستگی دارد با اکتشاف افکار عمومی که در سنین 14 بروز می‌کند. آنگاه در نتیجه اکتشاف روابط منطقی بین این افکار، از قبیل امکان رسیدن از اصول ساده (به براهین ریاضی و رجوع از علم حساب به محاسبات جبری، قدرت تجربیدی فکری حاصل می‌شود). (9) او امرانه استدلال و اثبات می‌کند، آراء او همه نو هستند، به آن آراء چنان بستگی دارد که کاشفی به اولین کشف خود. (10) ولی این نکته را ناگفته نگذاریم که آنها در عین جدید بودن نپخته و خامند، از استحکام خوبی برخوردار نیستند و با این حال، این بیداری آغازی برای سازندگی و رشد است

بیداری غدد - ۷

در این مرحله از رشد، غده‌ها بیدار می‌شود و مواد ساخته شده و یا هورمون خود را به درون خون می‌ریزند و در نتیجه موجب تحولاتی عظیم و دگرگونی‌هایی شدید در حالات و رفتار می‌شوند

از غدد مهمی که در نوجوان بیدار می‌شوند غدد جنسی است که موجد صفات ثانویه در بدن و دگرگونی‌های مربوط به تغییرات جسمی است. در نوجوان نوعی خودآگاهی و هشیاری پدید می‌آید که اگر درست هدایت و رهبری شود راه او به سوی کمال جنسی هموار می‌گردد

او نوجوان است و در آینده‌ای نزدیک پدر یا مادر خواهد شد، بیداری غدد جنسی و آثار ناشی از آن به صورت احتلام یا قاعدگی يك اعلام است. در واقع به او آگاهی می‌دهند که تو بزرگ شده‌ای و می‌توانی همسر، پدر یا مادر

شوی. این اعلام و اخبار هم عامل رشد است و هم می‌تواند موجبی برای فساد و انحراف باشد و طبیعی است که نقش مربی در آن فوق العاده مهم باشد.

دوران پایه‌گذاری‌ها

دوران نوجوانی و اصولاً دوران دهه دوم حیات را دوران پایه‌گذاری‌ها می‌دانند، مرحله‌ای است که در آن به مرحله باروری می‌رسد. فراگرفته‌ها و یافته‌های این مرحله نقشی مهم و سرنوشت‌ساز در آدمی دارند. اگر اهمیت شش سال اول زندگی را که آن همه مورد تاکید روانشناسان تربیتی است نادیده انگاریم باید اعتراف کنیم که مرحله‌ای مهمتر از نوجوانی برای پایه‌گذاری و آماده سازی نداریم. جنبه‌ها و امور بسیاری در این دوره شکل می‌گیرد و پایه گذارهای متعددی در این مرحله صورت می‌گیرد که اهم آنها عبارتند از

- ... پایه‌گذاری سلامت و رشد بدن و کمال یا نقص جسمی مخصوصاً در ستون فقرات، ساق پا، کف پا و -
- پایه‌گذاری سلامت روانی و مراقبت در این امر که رفتارها، متعادل و مناسب باشند -
- پایه‌گذاری رشد و جهت داری عاطفه که متوجه چه کسانی و یا چه جنبه‌هایی باشند -
- پایه‌گذاری اخلاق، به عنوان مجموعه ضوابط حاکم بر روابط که در او تثبیت و عینی گردد -
- پایه گذاری خوی اجتماعی و روابط معاشرتی از نظر ادب، حیا و باز و بسته بودن روابط -
- پایه‌گذاری استدلال و منطق و سیر و ضابطه فکری و جهان بینی و طرز تلقی‌ها از امور -
- پایه‌گذاری دینی و عقیدتی و اعتدال مذهبی و عادات و رفتارهای مذهبی و توان دفاعی از آن -
- ... همچنین است پایه‌گذاری‌های دیگر در بیداری فطرت و وجدان و -

در آنچه که به مذهب مربوط می‌شود يك جنبه آن مربوط به جنبه‌های تکلیمی دیانت و آماده شدن برای انجام دادن همه دستورات و تعلیم دین است، مخصوصاً از آن بابت که او در اواسط یا اواخر این دوره وارد عرصه تکلیف می‌شود. (11) و حاصل آن ورود به حیات تکلیفی به صورت يك مرد یا يك زن کامل است آنچه را که او در دوران کودکی به صورت تقلید، بازی و یا تمرین مذهبی انجام می‌داد اینک باید سر و سامان یافته و صورت رسمی و الزامی به خود بگیرد و یا مسئله تشکل اخلاق و از جمله اخلاق مذهبی در این مرحله باید صورت کمال به خود گیرد و او متعهدانه وارد حیات اجتماعی شود. البته زمینه آن در همه نوجوانان و در همه مناطق جهان وجود دارد که به آن اشاره خواهیم کرد

مشکل مربیان در ارتباط با نوجوان

گفتیم که دوران نوجوانی از نظر علمی دارای نقاط ابهام بسیار است و بسیاری از جوانب آن هنوز نیکو شناخته نشده است به ویژه که اینان نه کودکند و نه بزرگ. آنان در مرحله انتقال قرار دارند و شرایط حیات‌شان با دوره‌های قبل و بعد کاملاً متفاوت است

مشکل ما مربیان در رابطه با آنان مشکل تضادهاست

مرحله‌ای است که در آن تضادها و برخوردهای بیشماری وجود دارد، چنان است که گویی در آنان انقلاب و طوفانی بوجود آمده باشد (12) کشمکش پرتحرکی بین غریزه‌های زیستی و نیازهای اخلاقی بوجود می‌آید. (13) عواطف، تهییج شده، احساسات آتشین، خاق و خوی، تغییر یافته و روح او منقلب است. این شور و هیجان با شکفتگی فکری مساعد و موافق نیست. به گفته موريس دبس، سیری قهقرائی در دوران بحران تکلیف از این بابت (وجود دارد). (14)

در این مرحله از زندگی بتدریج تمایلات سوزان در ضمیر پدید می‌آید و حرکات و رفتار را تغییر می‌دهد که بیشتر بدبختی‌ها و هم خوشبختی‌های زندگی مربوط به همین شورها و جنبه‌های عاطفی است، بسته به اینکه چگونه جهت یافته و تربیت شده باشند و این خود يك مشکل برای مربی است

همچنین در این دوره واکنش‌هایی در نوجوان وجود دارد که حاصل آن رفتارهای ضداجتماعی، توأم با بز هکاری‌ها، مقاومت منفی، احساس اضطراب، مشکل درسی و مدرسه‌ای، افسردگی، و روان‌پریشی‌هایی از قبیل بیقراری، تیرگی شعور، ژست خودکشی (15) و ... است

در وضعیت عمده

از دید صاحب‌نظران در این مرحله از عمر دو وضعیت عمده برای نوجوان پدید می‌آید که هر کدام می‌تواند زمینه خطر روانی یا رفتاری برای نوجوان باشد، در عین اینکه هر يك عامل مناسبی برای رشد و پیشرفت و نیز صیانت وجود از خطر نیز به حساب می‌آیند. آن دو وضعیت عبارتند از

ترس‌ها: ترس‌های بسیاری در این مرحله از عمر برای نوجوانان پدید می‌آید که اهم آنها عبارتند از - ۱

... ترس‌های بهداشتی و زیستی مثل ترس از اختلال بدن، نقص اعضاء، مرگ -

... ترس‌های جنسی ناشی از پیدایش صفات اولیه و ثانویه جنسی، نقص در آن و -

... ترس‌های مدرسه‌ای چون ترس از عدم موفقیت در امتحان، تکلیف درسی، مردودی -

... ترس‌های خانوادگی مثل ترس از بیماری یا مرگ والدین، نزاع و مشاجره و طلاق و -

... ترس‌های اخلاقی مثل ترس از انحراف و ارتکاب خطا، عدم تطابق رفتار با اخلاق و -

... ترس‌های اقتصادی مثل ترس از فقر، بیکاری، افت اقتصادی، عدم توان تهیه مایحتاج -

(ترس از روابط اجتماعی مثل برخورد با افراد شلوغ، شوخی، درگیری و نزاع و...) (16) -

این ترس‌ها با همه عوارضی که دارند زمینه‌ساز بسیاری از بیداری‌ها و هشیاری‌ها، و نیز مراقبت و صیانت،

پیشگیری از واقعه‌ها و... نیز می‌تواند باشد و وجودشان تا حدودی ضروری و لازمه رشد است

اضطراب: و آن احساس ترس از خطری است که هنوز نیامده است و یا حالت آزاد و نشر یافته ترس است که - ۲

به هیچ شیئی یا عنصری بستگی ندارد. (17) از دید کلی می‌توان گفت اضطراب شامل آن ترسی است که ریشه‌های

آن در عمق جان و از نظر ظاهر ناپیداست

تحولاتی که در دوران نوجوانی و بلوغ پدید می‌آید، بروز صفات ثانویه جنسی در نوجوان، رشد قد و دستگاه‌های

درونی و بیرونی او را دچار نوعی بهت‌زدگی و تحیر و زمانی نوعی اضطراب و تشویش می‌سازد که خواب و

قرار از او می‌گیرد. این حقیقتی است که اذعان کنیم بسیاری از فرزندان ما در ضمن دوران کودکی و دوران بلوغ

دچار ناامنی و پریشانی‌های هیجانی نسبتاً شدیدی می‌شوند. (18) این حالت در آغاز دوران بلوغ دختران هم زیاد

(می‌شود... و حتی علائم بیماری مالیخولیا نیز در آن به علل مختلف دیده می‌شود. (19)

خطر این تشویش‌ها در آنان بسیار و یکی از آنها تجلی و بروز رفتارهای نامتعادل، غیر معقول، سرکشی‌ها،

نافرمانی‌ها، انحرافات جنسی، تن دادن به خواب و لمپدن‌ها، بی‌توجهی به درس و بحث مدرسه، بیقراری، زود به

جوش آوردن، تصمیم‌گیریهای نیندیشیده و سریع ... است. از موارد خطر این تشویش‌ها و دلسردی‌ها گاهی بروز

(فکر خودکشی در آنهاست. (20)

ضرورت توجه به نماز - ۲

با این مقدمه پایه‌گذاری‌های فکری نسبتاً طولانی و به عنوان نتیجه‌گیری‌ها از مباحث فوق باید گفت: این مجموعه

ایجاب می‌کند نوجوان، به سوی نماز روی آورد. حتی اگر نماز به قصد قربت هم نباشد لااقل برای تأمین سلامت

جسم، ذهن و روان، امری واجب و ضروری است

ایمان ستونی است که آدمی را در طوفان زندگی و در موارد تزلزل درونی تکیه‌گاه است و یا ایمان به خدا و

مذهب همانند عصائی است که آدمی را از افتادن و مغلوب شدن نگاه می‌دارد... بر اساس تجارب و بررسیهای

روانشناسان، حتی آنها که پای‌بند به مذهب نیستند و آنکس که به قدرت بینهایتی در این جهان وسیع و دشوار خود

را متصل نبیند همانند غریقی است در اقیانوسی بی‌پایان و یا بلا تکلیفی است که در دریای شک و تردید دست و پا

می‌زند. به گفته عالمی او هر روز و هر ساعت عقیده‌ای دارد، با خود و طبیعت و با اهل دنیا پیوسته در جدال و

(کشمکش است. (21)

اعتقاد به خدا عامل حل بسیاری از تضادها و درگیری‌های فکری، موجبی برای حل و رفع کشمکش‌های درونی و

سببی برای دستیابی به آرامش است. به گفته الیزابت گوج اگر خدا را از بین ببری مسئله خود را حل نکرده‌ای، بلکه

خود را تنها گذاشته‌ای، آن هم در يك تنهائی مخوف و ترسناك. (22) در بینش قرآنی یاد خدا مایه آرامش دلهاست

(الا یذکر الله تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ). (23)

تربیت دینی در نوجوانی، توجه دادن او به نماز و عبادت، ایجاد رابطه انس بین او و خدا، نه تنها احساسات مذهبی

او را اقناع می‌کند، بلکه تمایلات طبیعی و هواهای نفسانی او را هم مهار کرده و رفتار او را تحت کنترل در

می‌آورد. از همه آنها مهمتر اینکه احساس رنج درونی، فشار عاطفی، نگرانی، ترس، آشفتگی، احساس گناه شدید

را که از ویژگی‌های این دوره است (24) از بین می‌برد

بی‌توجهی نوجوان به نماز

از شکوه‌های والدین و گله‌مندی‌های مربیان این است که برخی از نوجوانان، به ویژه آنها که از پایه‌گذاری تربیتی

مناسبی در گذشته برخوردار نبوده‌اند، به نماز توجهی ندارند. حتی برخی از آنان از پدران و مادران متدینی

برخوردارند که مصداق این ضرب‌المثل است که از نور ظلمت پدید می‌آید و از ظلمت نور

ما با والدین منزّه و مقدسی مواجهیم که اهل عبادت و تقوایند ولی فرزندان آنها افرادی بی‌توجه به دین و نمازند و بر عکس به افرادی بر می‌خوریم که والدینشان سست و بی‌مایه‌اند و یا جنبه اعتقادی درستی ندارند ولی فرزندان آنها افرادی متدین و اهل نمازند.

همچنین فرزندی را می‌شناسیم که والدینش متدین و سالم بوده‌اند ولی خود در مرحله نوجوانی و بلوغ از نابسامانی و فساد سر در آورده‌اند. روح یاغیگری و عصیان در آنها رشد کرده و نه تنها آنان را علیه مسائل و جریانات به قیام واداشته، بلکه در برابر مسائل اجبی چون نماز سهل‌انگار ساخته است. البته به این نکته توجه کنیم که چنین وضع و حالتی در نوجوانانی که تمرینات مذهبی را از سنین کودکی و حتی خردسالی بصورت امری تفریحی، لذتبخش، با چشیدن عواطف گرم والدین و بدون تحمل فشار آغاز کرده‌اند بندرت دیده می‌شود و این خود نشان دهنده اهمیت دوران کودکی و پایه‌گذاری‌های اولیه است. دستور رسول خدا (ص) به امت که کودکان خود را از کودکی به نماز وادارید (مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ... (25)) خود اشاره‌ای به این اثرگذاری و اهمیت آن است و ما اهمیت این اقدامات پیشگیرانه و پایه‌گذارانه را در عبارات و روایات اسلامی می‌بینیم که مسئله را با دیدی وسیع در آموزش و تربیت دینی ذکر کرده‌اند. از جمله این سخن امام صادق (ع) که فرمود: *بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِيئَةُ* ((26)) پیش از اینکه محوری گمراه کننده بر شما و فرزندان‌تان سلطه آورد آنها را به جریانات دینی آشنا سازید. (و یا فرمود: *يُؤَخِّدُ الصَّبِيَّ بِالصَّلَاةِ بَيْنَ سَبْعِ سِنِينَ وَ سِتِّ سِنِينَ* (27)) از سنین 6 - 7 کودک را باید به نماز واداشت و در ترك آن (مؤاخذه‌اش باید کرد.

علل بی‌توجهی به نماز

بحث از علل بدان خاطر مطرح است که تا از ریشه و اساس امری سر درنیاوریم در آن زمینه اقدامی سازنده نمی‌توانیم داشته باشیم. قیل از هرگونه تصمیم‌گیری در مورد واداشتن نوجوان بی‌اعتقاد به نماز و یا به انجام فرائض مذهبی بررسی و تعمقی در این رابطه لازم است که دربابیم چرا نماز نمی‌خواند؟ حرف و سخن او چیست؟ آیا مدعی است که هنوز نماز بر او واجب نشده؟ نماز را عملی بیهوده و بی‌حساب می‌شناسند؟ از والدین و مربیان، یا از الگوهای دین و عبادت و نماز سرخورده است؟ می‌خواهد عصیان و نافرمانی خود را از این طریق نشان دهد؟ تنبلی و بی‌حوصله است؟ وقت ندارد؟ و

بررسی‌های ناشی از مصاحبه، سؤال و جواب‌ها، مشاهده‌ها و حتی آزمایش‌ها، همچنین استفاده از تجارب دست‌اندرکاران، تحقیقات روانشناسان تربیتی، کسب اطلاع از والدین و معلمان اطلاعاتی را در زمینه علل در اختیار می‌گذارند که مهمترین آنها عبارتند از

علل مربوط به خود نوجوان: در این زمینه از علل و عوامل بسیار می‌توان سخن گفت که شناخته‌ترین آنها - ۱ - بدین قرارند

- ... نادانی نسبت به اهمیت مسئله، عدم درك تعلیم مذهبی و ارزش آن، ناآشنائی به وظیفه و تکلیف -
 - تنبلی و تن پروری، به ویژه که برخی از آنان در نوجوانی احساس لختی کرده و دائماً در گوشه‌ای لمیده‌اند -
 - غفلت و مسامحه کاری و اوقات را بی‌حساب گذراندن و اتلاف وقت تا قضای نماز -
 - بی‌حالی و رخوت، بی‌حوصلگی، که آن نیز نشانه‌ای از عدم درك لذت ارتباط با خداست -
 - اثبات وجود و نشان دادن این که کسی است و می‌تواند یاغی و عاصی باشد -
 - !احساس گناه از لغزش گذشته و این تصور که آب از سر ما گذشته، دیگر نماز را چه فایده‌ای است -
 - و بالاخره عدم عادت به عبادت و در نتیجه نداشتن روحیه لازم برای این برنامه -
- علل مربوط به خانواده: در این جنبه هم از علل و عوامل بسیاری می‌توان نام برد که مهمترین آنها عبارتند - ۲ - از:

- عدم ایجاد عادت در او نسبت به نماز از دوران خردسالی بدان حساب که هنوز وقت نماز او نشده -
- عدم دعوت او به نماز در شرایط کنونی و کار و برنامه او را در اختیار خود او قرار دادن -
- دعوت او به نماز از روی خشونت و قهر و عقده‌سازی و آزردن ساختن او -
- سلب اعتماد او از روحانیت خانواده و احساس ریاکاری در والدین و یا تقدّس خشك و تحجّر در آنان -
- احساس این مسئله که والدین او ستمکارند و عبادتشان تلاشی بی‌حاصل است -
- احساس آزادی از گذشته زندگی خود و احساس فشار و زور از دعوت به عبادت در گذشته -
- آلودگی در غذای خانواده از نظر طیب بودن که رابطه‌ای است بین غذای طیب و عبادت و عمل صالح (یا ائیها - (الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اعْمَلُوا صَالِحاً)) (28)

علل مربوط به گروه همسالان: غرض گروهی هستند که نوجوان با آنها جرگه اجتماعی را تشکیل - ۳ می‌دهد. (29) با آنها مانوس، همراز، همسخن و همبازی است. این گروه ممکن است با نوجوانان به صورت کامل همسن نباشند ولی هم شرایط و همفکر و هم‌اندیشند.

نقش گروه همسالان در حدی است که گاهی می‌تواند اندیشه‌ای را واژگون کند و حتی در دین و اعتقاد افراد اثر گذارد (المَرءُ عَلَى دینِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ (30)) چه بسیارند افرادی که بر اثر معاشرت‌ها با گروه دوستان به بیراهه و فساد کشانده شده‌اند، و چه بسیار دیگر که بر اثر آنها به راه خیر و صلاح آمده‌اند. نقش گروه معاشران یا همسالان هم‌چنان به قوت در تمام مراحل حیات تأثیر دارد و اثر آن در سنین نوجوانی بیش از دیگر دوره‌های زندگی است. تابعیت و همرنگی با دوستان، انس‌ها و دوستی‌ها در این مرحله با تعصب همراه و غالباً ابرآلود و مبهم است.

در دوران نوجوانی قواعد اخلاقی خارجی و اجتماعی افراد، جای خود را به تقلید از نمونه‌ها و سرمشق‌های زندگی می‌دهد و شخصیت ناپایدار نوجوان از اشخاص نمایشی بهره‌مند می‌شود. (31) در امر ترك نماز و زمانی هم رغبت و عادت به نماز، الگوها و معاشران نقش اساسی دارند.

علل مربوط به جوّ و محیط: دوران نوجوانی دوران تجسس است. این تجسس در همه مؤسسات قانونی، - ۴ سیاسی، مالی، مذهبی صورت می‌گیرد. او سعی دارد با مشاهده آنچه که در دور و بر تو و در مؤسسات می‌گذرد، بر طبق ذوق و سلیقه خویش مدل مناسبی را برای خویش جستجو کند. اگر جوّ و شرایط محیط مناسب و مثبت باشد او را بدان سوی گرایش است و بر عکس

عوامل متعددی از جامعه و محیط در او اثر می‌گذارند و در او احساس و تصویری برای ترك مذهب و نماز پدید می‌آورند و آنچه از بی‌اعتنائی نسبت به نماز در او می‌بینیم زائیده شرایط ذیل است و سوسه‌های مکاتب الحادی و ایجاد شك و تردید در اذهان -

احساس اینکه علما و امرا فاسدند و در طریق اجرای تعالیم مذهب نیستند و در آنها فساد وجود دارد -

تصور ریاکاری از اولیای دین و احساس این امر که درصدد فریب دادن مردمند و افرادی چون او آلت دستند -

احساس تحجّر، بی‌منطقی و خشکی در تقدّس‌آنهائی که مورد علاقه او هستند -

آلودگی محیط و جوّ که حال و روح او را می‌گیرد، مثل فساد در کوچه و خیابان -

جدائی اخلاقی و معنوی بین او و روحانیت به هر علت و اندیشه‌ای -

تبلیغات علیه مذهب و دین و توسعه این اندیشه که دین قدیمی شده -

احساس یا تصور عدم تطابق دین با زندگی و بی‌ارزشی عبادتی چون نماز -

عوامل دامن زنده

عوامل و شرایط بسیاری هستند که بر این علل دامن زده و بر شدّت و حدّت آن می‌افزایند. ممکن است خود نوجوان در شرایطی باشد که زمینه برای کم‌اعتنائی او به نماز فراهم است و درصدد فرار و در رفتن از زیر بار وظایف بیشتر است. در چنین بحرانی وضع چنان می‌شود که سقوط او تسریع و یا اسیر او به سوی مقصد کند می‌شود. آن عوامل دامن زنده، متعدّد و از آن جمله‌اند

عقدسازی‌ها، ایجاد زمینه برای بدبینی‌ها، بر افراشتن چوب تفکیر و وارد آوردن انگ لامذهبی، یا بی‌دینی بر نوجوانان، تحویل نگرقتن او در مجامع دینی و یا به حساب نیاوردن او، او را به صد و عده و وعید به مسجد ببرند و او در آنجا با موقعیت خلاف انتظاری مواجه گردد... و این گونه عوامل در او اثری بسیار می‌گذارند به ویژه از آن بابت که... چراغ عقل در او ضعیف و کم فروغ و احساسات نیرومند و آتشین است (32) و هم بدان دلیل که در (طبیعت آنها تحقیر نسبت به طرز زندگی و امور معمولی هم دیده می‌شود. (33)

در طریق اصلاح

در طریق اصلاح و به عنوان امری مقدماتی نخست توجه به نکاتی برای ما اصلی و ضروری است. قبل از هر چیز باید گفت در رفع عارضه‌ای و اصلاح يك ناسامانی باید از همان راهی در نوجوان وارد شد که عوامل و شرایط در او وارد شده و نفوذ کرده‌اند. برای خشکاندن درخت فتنه بهتر این است ریشه‌ها را بخشکانیم و برای زدودن آثار و عوامل امری بهتر است به علت‌ها توجه کنیم

بدینسان، مادام که در فرد ریشه یا عامل جهل و غفلت و تن پروری و بی‌رغبتی زودده نشود، مادام که خانواده‌ها سر و سامان نداشته و یا بی‌توجه و بی‌برنامه باشند، مادام که دوستان و معاشران ناباب فردی را احاطه کرده و در میان گرفته‌اند، و تا زمانی که جوّ جامعه و شرایط محیط نابسامان و آشفته است امید به صلاح بسیار ناچیز و اندک

خواهد ماند. برنامه‌ریزی برای اصلاح نوجوان در محیط خانه و زندگی يك سوی قضیه است، و تلاش برای کنترل جامعه و محیط سوی دیگر آن، و این دو در هم دارای تأثیر و تأثرند، از آن بابت که حیات انسان چهره‌ای اجتماعی دارد.

حلّ تضادها و تعارض‌ها

ما معتقدیم رابطه‌ای است بین شرایط حیات سیاسی - اجتماعی انسان، با حیات فردی و معنوی او. شاید این سؤال به ذهن عده‌ای خطور کند که چه رابطه‌ای است بین رشوه‌خواری فلان مسئول اداری با بی‌نمازی فلان نوجوان و جوان؟ یا چه رابطه‌ای است بین فساد فلان روحانی و بی‌دین فلان فرد؟

در وجود ارتباط بین این مسائل ظاهراً جداگانه تردیدی نیست و اتفاقاً این ارتباط شدید هم هست. این مسئله هم مورد تأیید مذهب است و هم در دنیای علم از آن بحث بعمل می‌آید. از نظر علمی رفتار آدمی لااقل در گرو دو عامل است:

۱. اندیشه که جای آن در ذهن و روان است و طراحی‌ها در آنجا صورت می‌گیرند -

۲. اجرای اندیشه که در اختیار و در گرو اعضاست و بر طبق فرمان و طرح صورت می‌پذیرند -

طراحی‌های فکری در سایه رهبری عالمان و صاحب‌نظران و مشاهده عملی فرمانروایان است. بیش از 1400 سال قبل این عبارت معروف از رسول خدا (ص) آمده است که: *صَيِّفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَّحَا صَلَّحَ النَّاسُ وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَ النَّاسُ: الْعُلَمَاءُ وَالْأَمْرَاءُ.* (34) دو گروه از امت هستند که اگر آنها صالح و شایسته باشند جامعه صالح می‌شود و اگر آنها فاسد و تباہ شوند مردم فاسد خواهند شد، آن دو گروه عبارتند از: علما، که رهبران فکری مردمانند و امرا که رهبران اجرایی مردمانند. بدینسان وجود چنان شرایطی ولو اندک، در يك جامعه تضادآفرین است و اصلاح نوجوان و جوان در گرو حل آن است.

رابطه درون و بیرون

دام‌گیری مفسد، جاذبه‌های تباہ‌کننده موجود در اجتماع، زلف‌ها و بدنهای عریان، صحنه‌های بدآموز و تحریک‌کننده، نواها و نغمه‌های حرام چنان پرده‌ای بر دلها می‌کشند که آن را توان مشاهده و ارتباط با ظرائف و لطائف معنوی نیست.

چشمی که در ساعات روز به تماشای صحنه‌های لغزاننده در خیابان و بازار مشغول بوده و با فیلم و سینما و نوارهای ویدئویی انس گرفته آیا می‌تواند عالم ملکوت را ببیند؟ دلی که در گرو حرکات و رفتار فلان رقص، در فلان فیلم داخلی یا خارجی است آیا می‌تواند در گرو محبت خدا قرار گیرد؟

مگر نه این است که ما از نظر علمی و دینی قائل به ارتباط درون و بیرون هستیم؟ مگر باور نداریم که چشم جاسوس دل است؟ مگر نپذیرفته‌ایم که حواس ما دریچه‌هایی از جهان خارج به داخلند؟ مگر انقلابات درونی و بیرونی، تجلیات متقابل ندارند؟ در آنصورت برای اصلاح درون باید بیرون را ساخت، و برای پاک‌ی دل ظاهر را هم باید آراست.

می‌خواهیم بگوئیم وسوسه‌های جهان کوچه و بازار، تحریک‌سازی نوارها و فیلم‌ها و سینما و تلویزیون، مصونیت دل را از نوجوان سلب می‌کنند و روح تقوا و عبادت را از او می‌گیرند. حتی ممکن است نوجوان در اثر تماشای زلف‌های دخترهای اروپائی احساس لذت در عین گناه داشته باشد و با خود حساب کند دیگر نماز به چه دردی می‌خورد؟ من که تماشای فلان صحنه گناه و اهل جهنم، دیگر چه فایده‌ای برای نماز من؟ غرض این است که تا این جنبه‌ها سامان نیابند آن مشکل حل نخواهد شد.

شیوه‌های جلب و جذب

در عین حال، و در عین حضور چنان شرایط و جو، وظیفه تربیت از والدین و مربیان سلب نمی‌شود. ما را وظیفه هدایت و ارشاد است. باید بازوی نوجوان را گرفت و از هر راه ممکن در امر جهت‌دهی او اقدام بعمل آورد. اما اقدامات در چند جبهه باید صورت گیرد:

در رابطه با خود نوجوان: تلاشهایی که در این زمینه باید صورت پذیرند عبارتند از -

۱ - جهل زدائی از طریق والدین و مربیان، با استفاده از توان بیانی، کتب، مجلات، نوشته‌ها -

۲ - ایجاد رغبت در او از طریق برقراری رابطه انس با او، پذیرش، رفاقت با او -

۳ - استفاده از حساسیت و شور و هیجان مذهبی و شور عرفانی نوجوان و نشان دادن صحنه‌های مهیج مذهبی -

۴ - ایجاد اعتقاد در او به احاطه و نظارت بی‌انقطاع خدا بر اعمال و رفتار از طریق بحث‌های خانوادگی و جلسه‌ای -

- استفاده از فکر انتزاعی او برای ادراک پدیده‌ها و قدرت خداوندی که او در این سن می‌تواند روابط لازمی که بین - (انواع مختلف پدیده‌ها وجود دارد درک کند و روابط علت و معلولی را بفهمد. 35)
- (آشنا کردن او با حقیقت این جهان که این کار مستلزم شهادت بسیاری است. 36) -
- قرار دادن تربیت بر پایه زهد با توجه به خصایص نوجوان که مورد نظر اسلام است (سَبَعَهُ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ - ((يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ شَابٌ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ)) 37)
- ((یادآوری نعمتهای خداوند) وَأَذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَ اتَّقُوا بِهِ 38) -
- پاسخ به پرسش‌های مذهبی و تجهیز آنان به دفاع از مذهب -
- زمینه سازی برای خودیابی، خودسازی، محاسبه نفس -

این نکته را نیز باید افزود که تصولاً دعوت به مذهب و از جمله نماز منحصر به سه طریق است

بیان حقایق و معارف تفصیلی، موعظه و نصیحت، مباحثه و بحث

البته دادن بینش و آگاهی به افراد و نگاه تقویت عزم و اراده افراد، در جهت یابی فرد به سوی مذهب و تعالیم آن نقش اساسی دارد. به این آیه قرآن توجه فرمائید که مقصد و منظور ما را به وجهی نیکو روشن می‌سازد

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَ رَبِّي، لُبَّعْنٰ، ثُمَّ لَنُنَبِّئَنَّ بِمَا عَمَلْتُمْ وَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ. فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ (رَسُولِهِ)... 39)

- در رابطه با خانواده: در این زمینه نکات و برنامه‌هایی است که رعایت آنها در جلب و جذب افراد مؤثر است. ۲ -
- اهم آنها عبارتند از
- بعد الگویی خانواده بگونه‌ای که پدر و مادر به هنگام نماز همه کارها و برنامه‌های خود را تعطیل کنند و به -
 - سوی نماز روی آورند و این خود درسی سازنده و عملی است
 - استفاده از جاذبه‌های صوتی و کلامی برای جلب و جذب، مثل قرائت نماز با صدای خوب، با لحن خوب و جذب -
 - ...کننده، با سخنان آهنگدار و
 - ایجاد رابطه با نوجوان با استفاده از عواطف گرم خانوادگی، از اعلام محبت، نشان دادن رحمت و عنایت، -
 - تحریر عواطف، و گاهی هم بهره‌گیری از مهر و قهر به صورت توأم
 - استفاده از زمینه تشخیص طبی، مسئولیت خواهی، مشاور و همدم گرفتن، یاری و معاونت خواهی در امور و -
 - در نتیجه به موقع جهت دادن او
 - کنترل‌های غیرمستقیم و مراقبه درباره نوجوان، زیر نظر داشتن برنامه او، به موقع تذکر دادن و واداشتن او به -
 - نماز و این تذکر نباید صورت خشونت، رسواگری و تنبیهی داشته باشد
 - و بالاخره توجه به این نکته علمی و اسلامی که دل می‌تواند دل را هدایت کند. سخنی از مربی در دیگران مؤثر -
 - است که برخاسته از جان و دل باشد. خلوص‌ها و القات نشأت گرفته از ایمان و باور درونی، کارسازند و نمونه‌ها
 - در این موارد بسیار

در رابطه با معاشران: می‌دانیم نوجوان در دوستی آسان‌پذیر، افراطی و اسیر رفاقت است. و این حالت از ۳ -

سنین اول نوجوانی آغاز می‌شود، بگونه‌ای که سن 11 را سن رفاقت بازی خوانده‌اند. (40) دوست و معاشر اصولاً در جان و دل انسان اثر می‌گذارد و حتی باور و ایمان او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (الْمَرْءُ عَلَىٰ دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ) (41) و تأثیر آن در این مرحله شدید است تا حدی که به گفته هلن دوچ: آنها خود را برای دوست به زحمت (می‌اندازند و البته چنین حالتی در دختران شدیدتر است. 42)

معاشرت‌ها همانگونه که عامل مصونیت اخلاقی هستند در مواردی امل فساد و انحراف می‌گردند. اگر بتوانیم شرایطی فراهم سازیم که او را با دوستان و معاشران مذهبی و تربیت یافته همدم سازیم خود بخشی مهم از این راه طولانی و عظیم تربیت مذهبی او را طی کرده‌ایم

نقش گروه همسالان در سه مرحله از شرایط حیات از نقش پدر و مادر هم بیشتر است، از جمله در سنین بلوغ و نوجوانی... (43) چه بسیار از نوجوانان که خود را کاملاً با دوستان خود همگون می‌کنند و بر اساس آن یا ساخته و پرداخته می‌شوند و یا خاندان نبوت خود را گم می‌کنند

- همگام ساختن با الگوهای نافذ: این هم چهره‌ای دیگر از مسئله معاشرت است. به این نکته تحقیقی توجه کنیم ۴ -
- که از سنین 12 دختران و کمی بعد از آن پسران، با ایده‌آلهای دوران بلوغ مجذوب شخصیت دیگران می‌شوند و حرف و سخن آنها در آنان جداً مؤثر است

گاهی در این سن احساس آشکاری نسبت به دیگران پیدا می‌کنند و سخن و عمل فردی مهم که از وجهه اجتماعی مناسبی برخوردار است (و بخصوص وقتی که نوجوان ببیند دستگاهها و سازمانهای رسمی و غیر رسمی برای او و سخنانش ارزشی قائلند و او را فردی مورد اعتنا جلوه می‌دهند) افکارشان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و دائماً تحریکشان می‌کند که فلان شیوه و روش را عملی کند

برنامه‌های رادیو و تلویزیون را در نظر آوریم. گاهی يك روحانی را می‌بینید که با برنامه‌های مداوم خود، با ذکر داستانها و اجرای شیوه‌های خاص تبلیغی نظر عده‌ای از نوجوانان و جوانان را به خود جلب می‌کند. نام و ذکر او در سر زبانها می‌پیچد و گروههای بعدی را به سوی خود متوجه می‌سازد. سوق دادن خانواده نوجوانان از روی مهر و عاطفه به اینکه برنامه نماز را ترك نکنند در آنها شدیداً مؤثر است

جهت دادن نوجوانان به عضویت در تشکیلات و گروهی که در مسیر مذهب و عبادت و نمازند نیز چنین است. آنها شدیداً تحت نفوذ گروه‌ها و حتی اگر مؤمن به نماز هم نباشند به سوی آن گرایش پیدا می‌کنند و لاقلاً این حالت در آنان به صورت عادت در می‌آید و طبیعی است که اگر در گروه و تشکیلات معنویتی، راه و رسمی نشأت گرفته از ایمان وجود داشته باشد و تحت رهبری فردی مؤمن باشد امید هدایت بیشتر است

اصلاح جوّ و شرایط محیطی: و بالاخره به این نکته هم عنایت کنیم که شرایط جوّ و محیط در سازندگی یا - ۵ ویرانی بنای اخلاق و مذهب شدیداً مؤثرند. ما امروزه حتی از نظر علمی قائلیم که محیط فاسد و مسموم، زمینه ساز فساد است و محیط صالح و شایسته، زمینه ساز صلاح و سعادت

نقش محیط و جوّ اجتماعی در صلاح و فساد افراد به حدّی مؤثر است که بسیاری از جامعه شناسان و حتی روانشناسان اجتماعی، و به دنبال آنها، نظریه پردازان سیاسی و فلسفی سعی کرده‌اند که همه جرائم و انحرافات را به جوّ جامعه و نظام يك مملکت متصل بدانند و حتی مجازات مجرم را تخطئه کرده و آن را نوعی اقدام در از بین بردن معلول ذکر کرده‌اند نه علت، و قائلند جامعه و نظام باید محکوم شود نه فرد

ما را از نظر عقیدتی چنین اندیشه‌ای نیست و نقش مسئولیت فردی را در افراد نادیده نمی‌گیریم، ولی این مسئله را هم در نظر داریم که مسئله جوّ و محیط اجتماعی کم مسئله‌ای نیست

شما اندیشه اسلامی را مورد نظر قرار دهید که گذران اوقات را در محیط گناه نوعی گناه می‌شناسد اگر چه آدمی در آن مفاسد مشارکت نداشته باشد. ما حق نداریم در مجلس شراب نمی‌نوشیم (لا یَبْغَى لِلْمُؤْمِنِ مَجْلِساً یُعْصَى اللَّهُ فِيهِ) وَ لَا یَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ (44)

و این امر شاید بدان خاطر است که جوّ گناه فضای روان را مسموم می‌سازد و خانه دل را تاریک می‌نماید و شاید به همین علت است که مسلمان حق ندارد در محیطی آلوده و مسموم، و در جایی که قادر به حفظ دین و عقیده خود نیست زندگی کند و اقل وظیفه او مهاجرت و کشاندن خود به محلی و محیطی دور از آلودگی است. (إِنَّ الَّذِينَ تَوَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي الْأَعْيُنِ، قَالُوا قِيمِ كُنْتُمْ؟ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ - قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً) (فَنُهَاجُوا فِيهَا) (45)

بدینسان ما قائلیم جوّ و شرایط محیطی باید سازنده و دعوت کننده به عبادت و به تقوا باشد. تشکیل اردوها و برنامه‌های يك روزه که در آن زندگی اسلامی مورد اجرا و عمل گذارده شود و برنامه غذا و ورزش و نماز به صورت دسته جمعی باشد بسیار مؤثر است

بر عکس محیطهای فاسد و آلوده، عوامل جذب انسان به گناه و فساد، گسترش مفاسد و انحرافات در يك جامعه، وجود برنامه‌های غافل کننده، مستی و بی‌خبری، شرکت در مجامع آلوده، سرگرم داشتن بچه‌ها در اجتماعات با برنامه‌های گمراه کننده و سرانجام علنی کردن مفاسد، چنان پرده‌ای بر دلها می‌کشند که آدمی در صف این گروه قرار می‌گیرد که: خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً (46) و چنین فردی کی می‌تواند یاد خدا کند؟

اعمال روش‌ها

در اعمال روش‌ها برای واداشتن نوجوان به نماز از فنون و شیوه‌هایی می‌توان استفاده کرد که علمای روانشناسی و تربیت بدانها تکیه کرده‌اند. این فنون به صورت کلی در تربیت مورد استفاده است و در تربیت مذهبی، از جمله در واداشتن به نماز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد

در این بحث و بررسی ما را توان آن نیست که به شرح و تفصیل آن موارد بپردازیم، ولی سعی خواهیم کرد با در نظر داشتن طرز فکر اسلام در تربیت، لاقلاً اسمی از آنها برده باشیم. آن روش‌ها متعدد و متنوع و اهم آنها عبارتند از:

- ... روشهای آگاهی بخش چون روش اعلام و اشعار، روش آیت، روش تذکر و هشدار، امر به معروف، ارشاد - روش‌های عاطفی چون روش حبّ، روش رحمت، روش حثّ یا تحریک عواطف، روش همراهی و همکاری، - احسان
- روش‌های جلب چون پذیرش، احترام، تکریم و تفخیم، تقرّب، التفات، لطف - روش‌های خیرخواهانه چون وصیت، نصیحت، وعظ، حکمت - روش‌های اقناعی چون استدلال، محاجّه، مجادله، تحدّی، برهان، حجت - روش‌های تبیینی چون تشریح و تحلیل، معاوره و گفتگوی آزاد - روش‌های برانگیزاننده چون تحسین، تائید، تشکر و سپاس، ترغیب، تحریض، تشویق، پاداش و انعام - روش‌های امیدساز چون وعده، رجاء، بشارت‌ها - روش‌های ترغیبی چون ذکر صالحان، داستان، بازی - روش‌های عنایت‌آمیز چون مطایبه و مزاح، عبور کریمانه، نغافل، تسامح، تجاهل، امهال - برخوردهای غیر مستقیم مثل کنایه، تعریض، اشاره، تلویح - روش‌های جدی در برخورد مثل اعلام تعجب، ذمّ و قدح، تقبیح و تنفیر، قطع محبت، قهر - روش‌های اعتراضی مثل عقاب، اعتراض، ابراز تأسف، نهی، محروم کردن - روش سرزنش‌ها و تعبیر مثل ملامت، توبیخ، تحقیر عمل - روش‌های هشدار دهنده مثل اخطار، عقاب، افشاء - روش‌های تهدیدی مثل ارعاب، وعید، تخدیر، تخویف - روش‌های تنبیهی مثل اخذ، بطش امکانات، نکال، تعزیر، رجز، خزی، و -

اصولی در اعمال روشها

در اعمال روش‌های تربیتی برای واداشتن نوجوان به نماز اصولی باید مورد عنایت قرار گیرند که اهمّ آنها عبارتند از:

- رفع عوارض ذهنی، تغییر در پیکربندی ذهن، ایجاد امید در فرد برای پاکي و شایستگی - در نظر داشتن شرایط سن، جنس، تفاوتها، اقتضات - در کیفیت اجرا، اصل اعتدال، حکمت، مصلحت، انعطاف، تدریج - استمدادها از خود فرد، دوستان و معاشران، مدرسه، خانواده، مسئولان، در عین مددخواهی از خدا - پرهیز از تمسخر، طرد و رد، بخود واگذاری، حيله و فریب، استبداد و خشونت - تکیه بر آگاهی و تفهیم، تمرین و تداوم، القاء مداوم - (...مراقبت در اسوسسازی، فریضه‌سازی، سهل‌گیری) مثل کوتاه کردن نماز، عدم تکیه بر تعقیبات، -

در طریق جلب و جذب

- این که نوجوان را چگونه باید به سوی مقصد مورد نظر جلب کرد سئوالی است که پاسخ قاطع و نسخه‌وار ندارد. پاسخ آن بستگی دارد به آگاهی از نوع شخصیت نوجوان و درباره هر کدام از آنها به يك گونه باید عمل کرد:
- شخصیت نوجوان بر اساس نظر روانشناسان تربیت از تیپ‌های گوناگونی است مثل شخصیت خودکار، شخصیت سازش‌پذیر، شخصیت بدگمان، افتاده، مبارز طلب، تعدیل نیافته، ماجراجو، مشتاق و اخلاقی و... با هر کدام آنها به يك گونه باید برخورد داشت. اما در رابطه با همه آنها اجرای این ضوابط و اتخاذ مواضع زیر دارای نقشی سازنده و جهت دهنده است
- قاعده محبت و اعلام این سخن غرور‌آمیز که خوشحالیم چون تو پسری نمازخوان دارم - قاعده تشویق از طریق ذکر فضایل و پاداش‌های عملی روا و مناسب در اسلام چون عمل نماز - قاعده ستایش عملی دیگران بدون به رخ کشیدن و تحقیر او - قاعده روحیه دادن از طریق این عبارات که تو را نورانی‌تر و شاداب‌تر می‌بینیم - ...آراستن ظاهر مثل تهیه جای مناسب برای نماز، جانمایی زیبا، سر و وضع و حالت دادن و - آسان‌گیری بر نوجوان و مراقبت بر او که خود را در عبادت خسته نکند و سطح توقع او در امر عبادت بالا نرود - که خسته شدگان امروز از کثرت عبادت، تارکان صلوة فرادی ما را تشکیل می‌دهند. و در این زمینه از امام صادق (ع) سخنی آمده است: **كُنْتُ فَأَجْتَهَّدْتُ شَابًا فِي الْعِبَادَةِ ... جَوَانٌ بُوَدِمَ وَ فِي عِبَادَتِ كُوشَا، هَمَّامٌ بِأَبْنِ شَبِّ زَنْدَه‌دَارِي**

می‌کردم و به نماز شب می‌ایستادم، شبی پدرم به من رو کرد و فرمود: پسر تو جوانی، بخواب، هنگامی که خدای (از جوانی راضی باشد به او همان اجر سالمندان را خواهد داد... (47)

البته روش‌های تجسمی، تصویری، عرضه و نمایش، و اجرای برنامه‌هایی از این قبیل در تلویزیون و دیگر عرصه‌ها، خود را در این زمینه نقش فوق العاده دارند و در ایجاد رغبت و جلب نوجوان مؤثرند به ویژه که بر مبنای قاعده هدایت عواطف باشند و تحریکی هم از این بابت داشته باشند

زمینه‌های پذیرش

برخی از والدین و مربیان، به ویژه آنها که در خود نوعی خودباختگی در برابر نوجوان احساس می‌کنند، از دیدن حالت عصیان، سرکشی، استقلال طلبی و کلاً ناآرامی آنها احساس نومیدی دارند و بر این گمان هستند که نمی‌توان او را به راه آورد. به گمان ما هیچگاه جای نومیدی نیست. از نظر علمی و اعتقادی زمینه‌های متعددی در نوجوان وجود دارد که راه را برای تربیت مذهبی و سوق دادن او به نماز و عبادت فراهم می‌کند و ما با استفاده از آن زمینه‌ها، و با تکیه به روش‌ها و اصول ذکر شده، به شرط عمل و پیشگیری می‌توانیم او را به راه آوریم آن زمینه‌ها متعدد و از آن جمله‌اند

بحران شناخت: دنیای نوجوان دنیای بیداری‌هاست، دنیای اخذ و صید است. او همانند گرسنه و چشم و گوش - ۱ بسته‌ای است که ناگهان بیدار و وارد دنیای جدیدی شده و می‌خواهد از جهان سر درآورد و از پدیده‌های آن بهره گیرد، به گفته «اریکسون» اینان در بحران شناسایی هستند و خواستار آند بدانند و دریابند چه خیر است و در این دنیا چگونه باید بود. (48) این بحران او را برای مواجهه با امور مربوط به خدا و تکلیف آماده می‌کند. و البته والدین و مربیان هم باید با اتکا به همین پیش روند و چنین زمینه‌ای را پل قرار دهند

تعیین هویت: نوجوان در تلاش برای یافتن و تعیین و تأمین هویت خویش است. چون خفته‌ای در خود، ناگهان - ۲ بیدار می‌شود و می‌خواهد بداند کیست و چیست؟ در این عرصه پهن‌آور آیا مکلف است یا آزاد و رها؟ اگر والدین و مربیان هشیار باشند و به القا و اجرای برنامه‌های مذهبی پردازند، نوجوان گمشده خود را در زمینه اعتقاد مذهبی خواهد یافت و در آن صورت به اجرای تعالیم دینی از جمله نماز تن خواهد داد

عکس قضیه هم درست است. بدین معنی که اگر نوجوان از اعتقادات خالی شود هویت خود و در نتیجه احساس تصمیم‌گیری خود را از دست خواهد داد. نوجوان در طریق تعیین موقعیت و کشف خویش گاهی می‌خواهد در تنهایی بدون آشفته ساختن دنیای خارج فکر کند و هر فرصتی را برای تننا ماندن و خلوت کردن طبع گرامی می‌دارد. (49) و این خود زمینه‌ای دیگر است برای جهت دادن او به خلوت با خدا و عبادت

جستجوی ماوراء طبیعت: در سنین نوجوانی آدمی را دید و بینشی خاص نسبت به جهان پدید می‌آید و - ۳ درمی‌یابد که در ورای این ظاهر باطنی است، و در پس این زرق و برق پدیده‌ها، کارگردانی است. به ماوراء طبیعت و به جهان خلق و امر راغب می‌شود و این مسئله‌ای است که علمای غرب را هم بدان عمایتی است. ت.ج. نورسته‌ها به رسول گرامی اسلام و گله سالمندان از پیامبر (ص) که جوانان ما را فاسد کرده (أفسدَ شَباننا) (50)) خود حکایت از همین زمینه دارد

سؤالات نوجوانان را از معلم دینی در مدارس جویا شوید. از پدران و مادرانی که با نوجوانان خود مأنوسند بپرسید که بیشترین سؤالاتشان از آنها در چه زمینه‌ای است؟ بیشک بخش مهمی از پرسش‌هایشان در زمینه ماوراء طبیعت است و اگر پاسخگوی قانع‌کننده و توانا، خود اهل عبادت و نماز باشد در جان و دل او نفوذ می‌کند و او را بدان سوی می‌کشاند

مرحله ایمان: نوجوانی دوران ایمان است. او در شرایطی است که باورش آمده جهان را صانعی باشد خدا نام. - ۴ علمای روانشناس نیز هفت سال سوم عمر و حتی قبل از آن را مرحله ایمان نام گذاری کرده‌اند. (51) دیگر دانشمندان هم که راجع به نوجوانی بررسی‌هایی کرده و تئوریهایی ساخته‌اند برانگیختگی نوجوان را در بسیاری از (موارد نشأت گرفته از ایمان ذکر کرده‌اند. (52)

نوجوان با کسب تجارب در پی آن است که به مرحله باور برسد و آموخته‌های خود را قطعی کند و یا به گفته غربی‌ها در پی آن است ایدئولوژی قابل قبولی پیدا کند و از این طریق زندگی خود را با هد و معنادار کند و این خود زمینه و سببی است که نوجوان به سوی عبادت و نماز روی آورد، به شرطی که شرایط محیطی مساعد باشد مرحله برافروختگی: او در مرحله شباب است از يك دید. و شباب که لغتی عام برای مرحله نوجوانی و - ۵ جوانی است در محتوای لغوی خود معنی برافروختگی را دارد و این يك واقعیت برای این مرحله است. به گفته صاحب‌نظران نوعی شور و شیفتگی در آنها بوجود می‌آید که سراسر وجودشان را احاطه می‌کند و انرژی آن به حدی است که می‌تواند او را تجهیز کند و رفتار و کردار او را به سوی معینی جهت دهد (53) بدینسان زمینه برای

روی آوری به عبادت در او فراهم است و اگر او را بدان رغبتی نبود باید به جستجوی علل پرداخت و موانع را رفع کرد.

بیداری فطری: و این مسئله‌ای است که از قبل هم بدان اشارتی رفت. رغبت فطری در افراد بیدار شده و آنها - ۶ - را به پاکی و فضیلت می‌خواند. نوجوان از نادرستی مردم ناراحت است، می‌خواهد اخلاق و سجایای آن بر جهان حاکم باشد. خواستار معرفت الهی است، به مسائل مذهبی علاقه نشان می‌دهد. به گفته موريس دبس از حدود سنين 15 - 17 به ندای تقدس یا شجاعت به لرزه در می‌آیند و آرزو می‌کنند جهان را از نو تشکیل دهند، بدی را محو و (نابود سازند، عدالت مطلق را حکمفرما سازند. 54)

چنین بیداری خود عامل سوق دهنده فرد است به سوی مذهب. او در جاده مذهب است و نیازمند محرک مناسبی است تا او را به حرکت وادارد و یا حرکت و مسیر او را تسریع کند.

رشد تفکر: به نظر روانشناسان از حدود 12 سالگی، تفکر وارد مرحله حیات ذهنی، (صوری) رسمی (۷ - می‌شود، نوعی اشتغال قبلی او را وامی‌دارد که به ساده‌ترین راه برسد. به گفته عالمی همانطور که بچه‌ها بزرگ می‌شوند افق‌های روانی و فکری به تدریج توسعه می‌یابد و این توسعه خصوصاً هنگامی که وارد مرحله بلوغ (می‌شوند قابل توجه است. 55)

این رشد فکری با توجه به زمینه‌های دیگری که در نوجوان دیده می‌شود می‌تواند زمینه و موجبی باشد برای هدایت آن به سوی نماز و عبادت و این به شرطی است که مربی آگاهی در مسیر باشد و رشد سیر او را زیر نظر و تحت اداره و مراقبت گیرد.

مرحله اسوه‌جویی: نوجوان در این مرحله در جستجوی مدل و اسوه است. می‌خواهد فردی را پیدا کند که از - ۸ - نظر صفات و ویژگی‌ها بر طبق مذاق او و مؤید زمینه‌های درونی او باشد. او را قانع و راضی سازد این امر بدان خاطر است که او خود را در خور ورود به عرصه حیات اجتماعی می‌بیند، می‌خواهد مورد پذیرش قرار گیرد، مورد توجه و احترام باشد، غرور او اقناع گردد. در میان سرها، سری برافراشته داشته باشد، برای او ... در جامعه حساسی باز باشد و

حال اگر نمونه و مدل درستی در سر راه او قرار گیرد خود را بدان وابسته می‌سازد و از الگو می‌گیرد و اگر الگویی نادرست در سر راه او باشد به همان سو گرایش خواهد یافت. به همین دلیل اسوه‌های مورد تأیید مکتب در جامعه بیشتر باید مورد تبلیغ قرار گیرند و معرفی گردند.

بیداری حس اخلاقی: او در این سن برای پذیرش نظم و انضباط آگاهی دارد. ورود به دنیایی که در آن با - ۹ - ضوابط رفتاری و عملکرد دیگران همگام باشد. از جنبه‌های مربوط به اخلاق و وفاداری، ستایش و سپاس نسبت به فرد یا افرادی است که برای او خدمتی انجام داده‌اند.

اگر بتوانیم او را متوجه این مسئله کنیم که هستی او با همه ابعادش در گرو لطف و عنایت خدائی است و خداست که او را بزرگ کرده، رشدش داده، انعامش نموده، به او غذا داده، گرما و حرارتش بخشیده، آبرویش داده و ... بدان سوی گرایش پیدا می‌کند و بر اساس اصل خود پیروی به پیش می‌رود از نظر ما بیداری اخلاق در نوجوان از بهترین و قوی‌ترین پایگاه تربیتی برای هدایت این نسل به عبادت است و باید ضمن پایه قرار دادن آن، برنامه تربیت را بر آن اساس استوار سازند.

زمینه‌های دیگر: علاوه بر موارد فوق چه بسیارند زمینه‌هایی که در نوجوان وجود دارند که مربی با - ۱۰ - استفاده از آنها می‌تواند نوجوان را به سوی عبادت و نماز جهت دهد مثل

خواستاری ارضای تمنیات معنوی و مافوق طبیعت -

تحقق آرزوها و خواسته‌هایی که برآورده کردن آن را جز از خدا نمی‌تواند توقع داشته باشد -

خواستاری پی بردن به اسرار و حقایق جهان آفرینش و رمز و راز آن -

میل به داشتن آرامش و سکونی که از شرایط حیات اوست و در غیر اینصورت احساس ناامنی و اضطراب - خواب راحت را از چشم او می‌ستاند

خواستاری هدایت عقلانی زیرا که خود او هم به این نتیجه می‌رسد که: لَا يَزَالُ الْعَقْلُ وَالْحَمَقُ يَتَغَالَبَانِ إِلَى تَمَانِي - (عشر سنه فاذا بلغها غلب عليه اكثرهما فيه. 56)

و...

پرهیزها در این راه

در زمینه توجه دادن نوجوانان به نماز، والدین و مربیان وظیفه دارند از اقدام به مسائل و اموری بپرهیزند که اهم آنها عبارتند از

- عدم تحمیل عقیده اگر چه تحمیل در عمل باشد. در اسلام تحمیل عقیده نداریم (لا إكراهَ فی الدین (57) ولی تحمیل - ((در عمل می‌تواند باشد تا در سایه آن کراهت در عمل از میان برود) أَكْرَهُ نَفْسَكَ عَلَى الْفَضَائِلِ (58) جریحه‌دار کردن عواطف مثل افشاگری، رسواکردن‌ها، تحقیر و تخطئه، نیشخند زدن‌ها - امر و نهی شدید و تذکرات مکرر نیشدار تا زمینه ایجاد روح مقاومت در فرد فراهم نگردد - به خود رها کردن و به خود رها کردن و به خود وانهادن او که در آن صورت قبح ترك وظیفه از میان می‌رود - تنبیه بدنی، آن هم در حضور جمع که شعله سرکشی و عصیان را شدیدتر خواهد کرد -

الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ
الدِّينِ وَ فِيهَا مَرَضَاتُ
الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ فَهِيَ
مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ

نماز از راههای اثبات دینداری است
و در آن رضای پروردگار بزرگ و راه
پیامبران است

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ
سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ

نماز دژی استوار در برابر تهاجم و
وسوسه‌های شیطان است

امام علی علیه السلام

إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ خِدْمَتُهُ
فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ شَيْ
مَنْ خِدْمَتِهِ يَعْبُدُ
الصَّلَاةَ

پیروی و اطاعت از پروردگار خدمت

کردن به او در زمین است و هیچ چیز
در خدمت به پروردگار معادل نماز
نیست

امام صادق علیه السلام

.....(Anotates).....

- ۱) 178 صفحه 1) تعلیم و تربیت و مراحل آن صفحه
- ۲) 5 صفحه 2) سیری در بلوغ صفحه
- ۳) 49 صفحه 3) نوجوانی - دکتر جعفر کرمانی صفحه
- ۴) 40 صفحه 4) شادکامی، صفحه
- ۵) 118 صفحه 5) بلوغ صفحه
- ۶) ماکارنکو مربی روسی 6)
- ۷) 375 صفحه 7) جوان ج 1 صفحه
- ۸) 44 صفحه 8) روانشناسی کودکی، نوجوانی و جوانی صفحه
- ۹) 106 صفحه 9) بلوغ - موریس دبیس صفحه
- ۱۰) 218 صفحه 10) مشکلات تربیتی ج 2 صفحه
- ۱۱) 5 صفحه 11) نوجوانی - دکتر جعفر کرمانی صفحه
- ۱۲) 5 صفحه 12) نوجوانی، دکتر جعفر کرمانی، صفحه
- ۱۳) 31 صفحه 13) نظریه‌های بنیادی درباره نوجوانی صفحه
- ۱۴) 99 صفحه 14) بلوغ صفحه
- ۱۵) 29 صفحه 15) نوجوانی دکتر ایزدی صفحه
- ۱۶) 144 صفحه 16) روانشناسا نوجوانی صفحه
- ۱۷) 78 صفحه 17) نوجوانی دکتر جعفر کرمانی صفحه
- ۱۸) 71 صفحه 18) سیری در بلوغ صفحه
- ۱۹) 36 صفحه 19) روانکاوی دختران صفحه
- ۲۰) 58 صفحه 20) روانشناسی کودکی و نوجوانی و جوانی صفحه
- ۲۱) 43 صفحه 21) شادکامی صفحه
- ۲۲) 151 صفحه 22) سیری در بلوغ صفحه
- ۲۳) 28 سوره رعد 23)
- ۲۴) 482 صفحه 24) روانشناسی رشد (جمعی از نویسندگان و صاحب نظران) صفحه
- ۲۵) (مکارم الاخلاق - پیامبر) ص 25)
- ۲۶) 46 صفحه 26) کافر ج 6 صفحه
- ۲۷) 5 صفحه 27) وسایل الشیعه ج 2 صفحه
- ۲۸) 28) آیه آل سوره مؤمنان
- ۲۹) 29) زمینه جامعه شناسی
- ۳۰) 30) علی (ع) تحف العقول
- ۳۱) 179 صفحه 31) تعلیم و تربیت و مراحل آن صفحه
- ۳۲) 114 صفحه 32) جوان ج 1 صفحه
- ۳۳) 62 صفحه 33) روانشناسی کودکی، نوجوانی و جوانی صفحه
- ۳۴) 34) کافی، کلینی
- ۳۵) 44 صفحه 35) روانشناسی کودکی، نوجوانی و جوانی صفحه
- ۳۶) 153 صفحه 36) سیری در بلوغ صفحه
- ۳۷) 385 صفحه 37) رسول خدا (ص) تفسیر مجمع ج 2 صفحه
- ۳۸) 7 سوره مائده 38)
- ۳۹) 8 و 7 و 8 سوره تغابن، آیه 39)

- مراحل تربیت فصل 5 (۴۰)
رسول گرامی اسلام (۴۱)
روانکاوای دختران صفحه 38 (۴۲)
زمینه جامعه شناسی آگ برن نیم کوف (۴۳)
امام صادق (ع) تحف العقول (۴۴)
آیه 97 سوره نساء (۴۵)
آیه 7 سوره بقره (۴۶)
جوان ج 2 (۴۷)
تربیت و تغذیه - بنیاین اسپاک (۴۸)
سیری در بلوغ صفحه 66 (۴۹)
ج 6 بحار کمپانی صفحه 343 (۵۰)
بلوغ - موریس دیس فصل 5 (۵۱)
نظریه‌های بنیادی درباره نوجوانی (۵۲)
روانشناسی کودکی، نوجوانی و جوانی (۵۳)
بلوغ صفحه 122 (۵۴)
سیری در بلوغ صفحه 132 (۵۵)
بحار ج 1 کمپانی صفحه 330 (۵۶)
آیه 256 سوره بقره (۵۷)
علی (ع) جوان ج 2 (۵۸)